

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور م. عثمان تره کی  
۲۰ اپریل ۲۰۱۳

## گوسفندان استخباراتی و حملات انتحاری

اگر نیمه موفقیت جنگ بستگی به آتش سلاح دارد نیمه دیگر در ارتباط مستقیم با استفاده به موقع از تبلیغات به قصد تجرید دشمن تلقی می شود.

در افغانستان از ده سال به این سو ، مدیا و مطبوعات ائتلاف نظامی بین المللی (ا. ن. ب) درگیر یک جنگ تبلیغاتی نابرابر در مقابل مخالفین مسلح قرار دارد . قصد تبلیغ دادن استقامت به حوادث خونبار در جهت منافع معین ژئوپولیتیک است . در این راه حقایق بسیاری پنهان یا مسخ گردیده است . به قصد تحریف حقایق «گوسفندان استخباراتی» زیادی در کشتزار مطبوعات به نشخوار و چرا کشانیده شده اند . اینهمه به درجه اول به منظور شست و شوی مغزی و انحراف نسل جوان ، این نیروی آینده ساز کشور .

به تاریخ ۲۳ فبروری میز گردی از جانب سرویس فارسی تلویزیون بی.بی.سی ( پروگرام پرگار) به بحث به پروبلم امنیت پس از ۲۰۱۴ اختصاص یافته بود . از نویسندگان نیز برای اشتراک در بحث دعوت به عمل آمد .

در پذیرفتن دعوت متردد بودم : در کارزار افغانستان اکثراً موضوعات مورد بحث به منظور انحراف اذهان عامه از یک حادثه داغ روز و ایجاد اغتشاش فکری انتخاب می شود. به همین دلیل دعوت قبلی همین برنامه رد شده بود. بالاخره دو انگیزه از موضع تردید بیرونم کرد :

– تغییر موضع در جهت شناخت واقعیت مقاومت به حق مردم افغانستان از جانب (ا. ن. ب) با آغاز مذاکره با آن . واقعیتی که طی ده سال جنگ با لجن پراگنی «گوسفندان های استخباراتی» وطنی مدیا در هاله ابهام باقی مانده بود .

ایجاد رخنه کوچک در تسلط انحصارگرانه گوسفندان استخباراتی در عرصه مدیا .

– ندادن انتباه فقدان علاقه به بحث از این جانب به طرف مقابل در شرایطی که گرداننده مدیا خود آماده می شود که خلاف معمول گذشته (ایجاد سانسور در بیان عقاید مخالفین جنگ تهاجمی در فضای آنچه دموکراسی نامیده شده است) زمینه بیان نظر کسانی را فراهم کند که خلاف موضع قوت های مهاجم از اشغال ، مقاومت و قطع جنگ صحبت می نمایند .

در بحث میز گرد در دو مورد اصول ژورنالیزم در حاشیه رانده شد :

– یکی خلاف اجندای قبلی تأکید بیشتر روی نقش اقوام در بی ثباتی آینده صورت گرفت . ابعاد دیگر موضوع تأمین

امنیت (پروپلم انتقال ، حملات خودی در اردو ، فرار و غیره) از نظر افتاد .

- دیگر این که در ترکیب سه نفری اشخاص دارای نظر موافق و مخالف (دودر برابر یک) تعادل ژورنالیستیک مراعات نشد.

پس از این مقدمه مختصر مهندسی بحث، می رویم به متن صحبت :

در افغانستان مانند بسیاری از کشور های عقب نگاهداشته شده ملت به مفهوم مدرن آن در آغاز تشکل خود قرار داشت که کشور معروض به مصیبت تجاوز شوروی شد. آنچه امروز به نام ملت افغان یاد می شود، در محتوای نوعی همبستگی ملی اقوام مطرح است . حلقات معین داخلی (صرفاً در سطح تعلیم یافته ها) و خارجی تلاش می کنند این تساند را زیر سؤال ببرند . در متن صحبت معلوم شد که میز گرد روی همین مقصد تنظیم شده است.

در جریان بحث یکی از اشتراک کنندگان ، بی آن که مورد جدی برای پیوند موضوع به صحبت رویدست وجود داشته باشد در مورد اعلیحضرت احمد شاه بابای کبیر (مؤسس دولت معاصر افغانستان) حرف های ته و بالا گفت. البته تاخت و تاز به سمبول های ملی ، هویت ملی ، شخصیت های تاریخی چیز تازه ای نیست . تازه استفاده به موقع از تریبون بی.بی.سی. به قصد بی حرمتی به یک سمبولی است که با وجود آشفتگی فعلی فکری در میان روشنفکران ، اقشار وسیع مردم به آن به مثابه نکته عطف تاریخ معاصر اهمیت قائل اند . خوشبختانه مردم عوام در حملات تروریستی به مقدسات ملی با مشتکی از تعلیم یافته های تجرید شده از مردم همونوا نیست. پیوند هویتی اقوام افغانستان قوی تر از آن است که با انفجار عقده چند بیمار عصبی معروض به سؤال شود.

جغرافیای امروز جهان محصول تناسب قواء در سطح بین المللی در میان قدرت های استعماری قرن نژده و بیست است. کشور های غربی با دنیائی از تجارب استعماری در آفرینش ، نابودی و تجزیه کشور ها وارد افغانستان گردیدند. استخبارات غربی پیش قراول لشکر مهاجم برای بلعیدن افغانستان که ملک بی صاحب تلقی می شد ، بر غنای تجارب گذشته خود در توطئه ، تفرقه ، جنایت هدفمند ، معامله و سازش افزود . تخریب شخصیت ها و سمبول های ملی (آنچه به دنبال دو دهه ویرانگری شورویان باقی مانده است) در رأس اجندای استخباراتی مهاجمین قرار داشت. چه در بند کشیدن یک ملت بی هویت و معروض به تفرقه قومی به مراتب آسان تر از تسلط بالای مردمی دارای هستی ملی و مغرور از افتخارات تاریخی خود است. باری که ملتی پیوند عقیدتی و فکری به افتخارات تاریخی خود یافت برای دفاع از آن آماده قربانی می شود . با گسستن همین پیوند به لقمه چرب آماده بلعیدن مبدل می گردد. از همین رو لنگر جنگ در همان جغرافیائی متمرکز شد که «احمد شاه بابا» به دنیا آمده بود. قتل های جمعی شبیه ژنوساید (آخرین آن در کنر) ، ترور دو هزار و پنجصد تن مشران قومی - مذهبی ، در حاشیه راندن مردم به دلیل ناامنی از پروسه انتخابات (نا امنیتی که مهاجمین منبع آنست) همه به قصد تسلط دایمی به یک افغانستان بی هویت از طریق یک حاکمیت مزدور و نیازمند حضور قوای خارجی برای تأمین امنیت ، دقیقاً سازماندهی شده است.

در باب انگیزه های عقیدتی و دینی حملات انتحاری بسیار صحبت شده است. در این بحث ها غالباً انگیزه ملی و فکری موضوع از نظر افتاده است.

انتحار با انگیزه دینی رفتن به بهشت بیشتر عمل انتقاعی روحانی و شخصی است. در حالی که پایان دادن به زندگی خود به خاطر ارزش ها (وطن ، مردم ، عدالت و...) دارای محرکات عقیدتی و عمومی است که طی آن انتحار کننده بیرون از تلقینات و غرایز فردی در همبستگی با ایدیال های جمعی به استقبال مرگ می شتابد.

با آن که در افغانستان و سائر ممالک اسلامی ناسیونالیزم همیشه زیر پوشش مذهب وارد میدان نبرد به ضد سلطه خارجی شده است، ماشین تبلیغاتی (ا. ن. ب.) تلاش به خرچ داده تا در افغانستان گرایش های دموکراتیک و ناسیونالیست را در تقابل با افراط گرایی مذهبی (رادیکالیزم!) قرار بدهد. یعنی به حملات انتحاری بیشتر انگیزه

مذهبی اعطا کند تا محرک ملی . چه هیولا سازی مذهب و دادن انگیزه مذهبی به حملات انتحاری انبوه روشنفکر بیگانه از ارزش‌های عقیدتی را در خدمت مهاجمین قرار می دهد.

روشنفکر وقتی آگاهانه یا ناآگاهانه ، ارادی یا غیر ارادی سمبول های ملی را لگدمال می کند ، سر راست خود را در خدمت پلان های ویرانگر قوت های مغرض خارجی قرار می دهد. مهم تر این که زمینه تغذیه فکری جنگ را برای فرزندان «احمد شاه بابا» فراهم می نماید . خطرناکتر این که انگیزه بم های انتحاری را تدارک می کند: هر حمله ترورستی به سمبول های ملی - مذهبی ، ده ها داوطلب حمله انتحاری را در معرکه می کشاند ... در این حا به یقین می توان گفت که مسؤولیت اولی حملات انتحاری که طی آن متأسفانه خشک و تر یکجا می سوزد ، به دوش روشنفکر بریده از مردم و جاه خوش کرده در بستر توطئه بیگانه است.

«پایان»

فرانسه

۱۶ اپریل ۲۰۱۳

دوکتور م. ع. تره کی